

## نامه سرگشاده به منصور اسالو

سه شنبه، ۱۵ اسفند ۱۳۹۱، ۰۷:۱۳ | نوشته شده توسط شورای دبیری |



علیرضا بیانی - مازیار رازی

### مقدمه

خطاب به همه کارگرانی که منصور اسالو را می شناسند، و به خصوص کارگران

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

دوستان و رفقا

متأسفانه جنبش شما کارگران زحمتکش، یک انشعاب به سوی دولت سرمایه داری داد، که اعتبار و هویت خود را از مبارزه در کنار شما به دست آورده بود. منصور اسالو، این هم‌رزم و هم سنگر گذشته شما اکنون صفوف شما را ترک کرده و به صف دشمنان طبقاتی شما پیوسته است. او اکنون رسماً به جریاناتی پیوسته که مستقیماً در مقابل شما کارگران سنگر بسته اند، جریانات سیاسی که از شما فقط یک رای برای بازگشت به جناحی از حکومت سرمایه‌داری میخواهند، و در مقابل هیچ چیزی به شما نخواهند داد.

از اینرو لازم است که پیش از ودای آخرین با هم رزم سابق تان، نامه‌ای سرگشاده به او، اما رو به جنبش، نوشته و نکاتی را به او در میان بگذاریم.

\*\*\*\*\*

دوست گرامی منصور اسالو،

شما پس از دوره ای مبارزه در کنار کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد و پس از تحمل فشارهای زیادی که بر خود، خانواده و دوستانتان وارد آمد، اکنون تصمیم گرفته اید که این صفوف را ترک کنید و به صفوف دشمنان طبقاتی کارگران بپیوندید. اما، لازم است بدانید که اگر جنبش کارگری این دوستان تازه شما را قبول می

داشت، در آن صورت خودش در سال ۱۳۸۸ به زیر پرچم «سبز» آن‌ها می‌رفت و برایشان هورا می‌کشید، که خود شما شاهدید چنین نکرد.

آقای اسالو، شما در اولین قدم در پیوستن به طیف سرمایه داری خارج از حکومت، مرتکب این اشتباه فاحش شدید که فکر کردید می‌توانید جنبشی را به دنبال خود بکشید. اما این جنبش کارگری، تاریخ و سنت‌های خودش را دارد و حتی اگر از این جابه‌جایی‌ها با خبر شود، به آن اعتنایی نخواهد کرد. شما به دلیل مبارزه از نزدیک و در کنار بخشی از کارگران بود که از اعتبار کافی در میان آن‌ها برخوردار شدید، اما این اعتبار تنها و تنها در شرایط تداوم مبارزه در کنار آن‌ها همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند و نه با ترک صفوف سابق. کارگران شریف و مبارز به قدر کافی ظلم و ستم تحمل کرده‌اند، از فقدان تشکل و مبارزه متشکل همچنان در رنج‌اند، اما این اوضاع را دلیلی بر ممانعت با سرمایه داری نمی‌دانند، زجرها و دشواری‌های بیش از این را تحمل می‌کنند تا کینه طبقاتی خود نسبت به سرمایه داری زانو صفت را برای روز انتقام حفظ کنند. اگر چنین نبود که کارگران به جای گسست دسته‌دسته از نهادهای کارگری وابسته به دولت، فوج فوج به همان نهادها می‌پیوستند. اگر این چنین نبود که کارگران به جای دفاع از سندیکای شرکت واحد، از خانه کارگر دفاع می‌کردند.

آقای اسالو،

شما چه محاسبه‌ای داشته‌اید که تصور کردید کارگران پرچم مستقل مبارزاتی خود را رها می‌کنند و به زیر پرچم سرمایه داری برکنار شده از حکومت می‌روند. دقیقاً کدام اقدام کارگران به صورت دسته‌جمعی موجب این برداشت ناصحیح شما شده است. چرا متوجه نیستید که کارگران تجربه یک انقلاب را، انقلابی که در نوع خودش در تاریخ جنبش کارگری کم‌نظیر است، پشت سر نگذاشته‌اند، تا دوباره از نقطه اول شروع کنند. این صحیح است که جنبش کارگری دارای بحران رهبری است، و درست به دلیل همین بحران، جنبش کارگری با وجود ضعف‌های اساسی و مهمی که از شما سراغ داشت، از شما حمایت کرد. کارگران حتی اگر می‌دانستند که روزی صفوف آن‌ها را به نفع صف دشمنانشان ترک می‌کنید، باز هم از شما، هرچند به شکل مشروط، حمایت می‌کردند. اما این بدان معنا نیست که آن‌ها پشت سر شما و تا هر جا که مایل باشید، به حرکت ادامه خواهند داد.

ما می‌دانیم که تنها راه متوقف کردن جنبش کارگری، سرکوب دائمی این جنبش به دست رژیم حاکم نیست؛ دولت سرمایه داری روش‌های مؤثر دیگری هم دارد. مهم‌ترین آن‌ها، فریب کارگران از طریق اشاعه و گسترش راهکارهای رفرمیستی و نفوذ عناصر خود در درون این جنبش است تا بلکه بتواند از این طریق مستقیماً بر آن تأثیر بگذارد. اما موفقیت آن‌ها همیشه تضمین شده نیست، این موضوع بستگی به درجه پیشرفت جنبش کارگری و انجام وظایف مارکسیست‌های انقلابی در یک کشور مشخص دارد. جنبش کارگری در ایران تجربه‌هایی بسیار غنی دارد که در کمتر کشوری مشابه آن را می‌توان یافت. با این‌که این جنبش از شدت فشارهای سیستماتیک ۲۴ ساله رژیم سرمایه داری حاکم بر روی زانوی خود افتاده است، اما شما که تا چندی قبل یک فعال کارگری بودید، لابد باید خوب بدانید و ببینید که جنبش کارگری ایران تا چه میزان استعداد بالایی در مبارزه ضد سرمایه داری دارد و اهل ممانعت نیست. برعکس، به خود پایه‌های کارگری نگاه کنید که اعتنایی به این نوع ممانعت نمی‌کنند و بلافاصله به محوطه کارخانه می‌آیند تا با اعتراض خود، در واقع پاسخی به همین ممانعت بدهند. شما باید به کارگران نی بر شوشتر اشاره می‌کردید، به کارگران پتروشیمی ماهشهر و... که با وجود انواع ارباب و سرکوب از خواسته‌های خود عقب‌نشینی نمی‌کنند و اهل ممانعت هم نیستند.

به همین دلیل است که خود شاهد هستید روزی نیست که از گوشه و کنار این مملکت، خبر اعتصاب و اعتراضی کارگری به گوش نرسد. این وضعیت به یک نکته مهم اشاره دارد و آن جاری بودن مبارزه ضد سرمایه داری در سراسر ایران است که هرچند به صورت پراکنده و بدون رهبری صورت می گیرد، اما هرچه هست نشانه ای از بلوغ جنبشی است که فریب سرمایه داری و وعده هایش را نمی خورد.

این جنبش آن قدر بدون رهبری انقلابی هست که تاکنون نتوانسته باشد مبارزات پراکنده کارگری را با هدف ساقط کردن سیادت سیاسی سرمایه داری حاکم در ایران متحد کند، اما این قدر خام و ناپخته نیست که در نبود این رهبری انقلابی، به واسطه افرادی مثل شما، پشت سر خود نمایندگان سرمایه داری صف بکشد.

آقای اسالو باور بفرمایید جنبش کارگری ایران به مراتب جدی تر و ضد سرمایه داری تر از آن است که بخواهد با یکی دو تاکتیک قدیمی و صدها بار آزمایش شده نیروهای سرمایه داری خارج از رژیم، فریب آن ها را بخورد و پشت سر آن ها قرار بگیرد.

آقای اسالو،

با آن که شما اکنون وارد عرصه سیاسی شده اید، اما در واقع به جای پیوستن به حزبی کارگری سوسیالیستی، به حزبی سرمایه داری پیوسته اید. هرچند این نشانگر آن است که احزاب مدعی کارگری سوسیالیستی ایران بی ارتباط با جنبش کارگری هستند؛ چرا که در غیر این صورت کسی مثل شما باید به جای احزاب بورژوایی، به یکی از اعضای آن ها مبدل می شد؛ اما همچنین نشانگر خام بودن شما در تشخیص دوست و دشمن طبقاتی هم هست. شما هنوز آن قدر تجربه سیاسی-تشکیلاتی ندارید که متوجه شوید جریانات بورژوایی با شما فقط تا جایی کار دارند که موقعیت خودشان را تثبیت کنند و نه موقعیت شما را. شما که تجربه رهبری کردن دارید، چرا متوجه نیستید که اکنون خود در حال رهبری شدن هستید. چرا فکر می کنید وعده هایی که به شما داده اند واقعی است و عملی خواهد شد.

شما حتی در همین مصاحبه اخیرتان، از نوع و لحن برخورد مصاحبه کننده باید متوجه می شدید که فقط به اندازه یک مهره و آن هم برای مدت معینی برایشان اهمیت دارید و نه ذره ای بیش از این. شما هنوز آن قدر سیاسی نشده اید که متوجه شوید که این دوستان تازه شما، خیلی زود از شما تشکر می کنند و بدون کمترین پشت و مقامی به کناری می گذارندتان.

آقای اسالو،

شما مرتکب یک تناقض بزرگ شده اید که اگر به آن دقت کنید متوجه فرصت طلبی های دوستان سر راهتان "سبز" شده هم خواهید شد. اولاً شما نمیتوانید خود را به عنوان رهبر کارگری به دوستان راه سبزتان معرفی کنید، در بهترین وضعیت شما میتوانید خود را رهبر سابق و اکنون برکنار شده سندیکا شرکت واحد معرفی کنید. حال اگر آنها این را بپذیرند باید از شما به عنوان وسیله ارتباط شان با سندیکاهای کارگری در ایران استفاده کنند، و این در حالی است که شما با ترک سندیکا نشان داده اید که کل پروژه سندیکالیزم شکست خورده است که شما را به این نتیجه رسانده که به "موج سبز" بپیوندید.

ثانیا، لاید برای شما مثل روز روشن شده است که سندیکا به خودی خود قادر نیست حنا ابتدایی ترین حقوق را برای کارگران احیا کند که خود را ناگزیر از پیوستن به حزب رفاه دیده اید. هرچند دیدگاه های رفرمیستی شما چراغ جستجویی شد تا "موج سبز" را پیدا کنید؛ اما این در عین حال بدان معنا است که شما خود متوجه شده اید سندیکالیزم پاسخ مناسبی نبوده؛ منتها به جای اینکه خارج شدن از بن بست سندیکالیستی را با ایجاد حزب کارگری گره بزنید، به حزب بورژوازی پیوستید و با خود این تناقض را برای آنها به ارمغان برده اید که دیگر حنا اگر بخواهید هم نمیتوانید یک سندیکالیست باشید. به عبارت دیگر، شما اگر می خواستید فعالیت حزبی داشته باشید پس چرا سندیکالیست شدید و حالا که سیاسی شده و به حزب بورژوازی پیوستید چگونه میتوانید همزمان سندیکالیست هم باشید! شما اگر در کنار آنها باقی بمانید، رهبر سندیکا که سهل است، حنا یک کارگر سندیکالیست هم نخواهید بود؛ و در اینصورت حقیقتا چه تحفه ای با خود برای آنها خواهید داشت که تصور می کنید به آن دلیل امتیازات ممتازی ارزانی شما خواهند کرد.

### آقای اسالو،

شما می توانید به هر دلیلی جنبش کارگری را رها کنید و خود را از مبارزاتی که داشتید کنار بکشید، و به این ترتیب احترامی را که به دست آوردید همچنان حفظ کنید، اما متوجه باشید که قرار گرفتن شما در کنار دشمنان طبقاتی کارگران به معنی مقابله شما با طبقه کارگر محسوب می شود. در تاریخ حتی یک مورد به ثبت نرسیده است که کسی در چنین وضعیتی، برای مدتی طولانی محبوب جنبش کارگری باقی بماند. امیدواریم دچار این اشتباه فاحش نشده باشید که تصور کنید میتوانید برای پیشبرد اهداف خود از امکانات آنها استفاده کنید. اگر چنین نقشه هایی در سر دارید بدانید تاریخ این را بارها نشان داده که چنین میانبرهایی فقط مبارزین و رهبران کارگری را به مهره هایی برای تقویت سرمایه داری تبدیل می کند. همانطور که مبارزات سابق خود شما نشان داده، حنا برای کوچکترین پیشرفتی فقط اتکای به بازو و توان خود کارگران بوده که نتیجه داده است و نه تمنای از بیگانگان.

آقای اسالو وقتی شما در زندان بودید، این کارگران ایران و متحدین بین المللی آنها در سراسر جهان بودند که از شما حمایت می کردند و نه "جنبش سبز راه امید". آیا از خود پرسیده اید که وقتی کارگران شریف شادان پور و جامکو در مقابل مجلس به رگبار بسته می شدند این "جنبش سبزی ها" کجا بودند؟ آیا از خود پرسیده اید وقتی به سوی کارگران خاتون آباد از زمین و هوا به وسیله تانک و هلیکوپتر شلیک می شد این رهبران نوکیسه بخشی از دولت سرمایه داری مانند اکبر گنجی و سازگارا و کل اصلاح طبلان متحد "موج سبز" کجا بوده اند؟ به راستی این سبزه ها وقتی به سندیکای شما حمله شد چه کار کردند؟ چندتا تحصن و اعتراض به حبس انفرادی شما سازمان دادند؟ از چند عضو پارلمان و چند رهبر سندیکا اتحادیه کارگری امضا حمایتی گرفتند که اکنون به جای قرار گرفتن در کنار متحدین کارگری، خود را در کنار آنها قرار داده اید؟

اگر چه ایران لهستان نیست و الگوی «لخ والسا» سازی در ایران به یک طنز تبدیل می شود؛ اگر چه کسی مثلا لولا در برزیل از سطح کارگری فقیر-که سابقاً به دلیل نداشتن پول کافی درمان، انگشت آسیب دیده اش از سانحه کار را از دست داده بود- به مقام ریاست جمهوری رسید، ولی وقتی به این مقام دست یافت، خود مکانیسم موقعیت اش او را در مقابل طبقه ای قرار داد که از آن جا آمده بود. با این حال شما باید آن قدر سیاسی باشید که بتوانید بفهمید در ایران که کارگران به دلیل سرکوب سیستماتیک ۳۴ ساله هنوز تجربه فعالیت تشکیلاتی، حتی در حد

سندیکایی در سراسر کشور را نداشته اند، اگر در آینده بخواهند تشکیلاتی را تجربه کنند، ناچار خواهند بود قیام کنند و تشکیلات کارگری دوران قیام نیز دیگر نه سندیکا و نظایر آن، بلکه شوره‌های سراسری کارگران است.

آقای اسالو،

شما و دوستان تازه تان در ارزیابی خود این نکته را از قلم انداخته اید که در ایران به دلیل شرایط ویژه آن، کارگران مانند کارگران لهستان و برزیل از طریق رأی و آرا وارد کارزار تغییرات بزرگ نخواهند شد، رژیم سرمایه داری ایران برای آن ها فقط یک راه غیر قابل مسدود باقی گذاشته و آن قیام کارگری است. در قیام کارگران، کمترین اقدامی که می تواند صورت بگیرد چیزی جز اعتصاب و اشغال کارخانه و حرکت به سوی انقلاب نخواهد بود و این شرایط نمی تواند بستر مناسبی برای طرح و ایده های شما باشد. طرح و ایده های دوستان تازه شما فقط برای جلوگیری از وقوع چنین شرایطی است و شما به عنوان مهره ای برای آن ها فقط تا زمانی دارای ارزش هستید که بتوانید قدمی در متوقف کردن قیام های وسیع کارگری داشته باشید، آقای اسالو آیا شما تصور می کنید قادر به چنین کاری باشید؟

آقای اسالو،

تا هنوز به قدر کافی دیر نشده، یا به صفوف گذشته خود برگردید و یا دست کم در کنار دشمنان کارگران صف آرایی نکنید.

پانزده اسفند ۱۳۹۱